

بسمه تعالی

خلاصه پایان نامه های مرتبط با گیاهان دارویی انجام شده در دانشگاه علوم

پزشکی گلستان

ماموریت ویژه توسعه دانش گیاهان دارویی

## ۱. عنوان:

بررسی تاثیر عصاره برگ گزنه بر کنترل گلیسمیک بیماران با دیابت نوع یک

### مقدمه:

دیابت قندی نوع یک شایعترین اختلال عدد و متابولیسم دوران کودکی و نوجوانی می باشد. در حال حاضر تنها درمان آن انسولین تزریقی است که با توجه به نیاز به تزریقات مکرر روزانه کاری سخت و استرس آور برای بیمار و خانواده است، تلاش های فراوانی جهت یافتن درمان جایگزین در جریان است. یکی از زمینه های مطالعاتی استفاده از گیاهان داروئی است. سابقه مصرف گزنه برای کنترل دیابت از دیر باز، استفاده فعلی از عرق گزنه به شکل سنتی در ایران و سایر کشورها و پیرو مطالعات انجام شده قبلی در اثبات اثر عصاره گزنه در نمونه های حیوانی و چند مطالعه محدود روی نمونه های انسانی لازم دانستیم اثر عصاره برگ گزنه بر بهبود کنترل گلیسمیک بیماران با دیابت نوع یک را طی یک کارآزمایی بالینی جامع و کنترل شده مورد مطالعه قرار دهیم.

### مواد و روش ها:

این مطالعه، یک کارآزمایی بالینی پلاسیبو کنترل دوسو کور روی بیماران ۶ تا ۱۷ ساله با تشخیص دیابت نوع یک بود. بیماران دارای کرایتریای ورود به مطالعه، بصورت تصادفی در دو گروه دارو و پلاسیبو (هر گروه ۳۲ بیمار) جای گرفته، پس از اخذ آزمایشات مورد نظر، در کنار مصرف انسولین، بمدت سه ماه تحت درمان با کپسول های حاوی عصاره برگ گزنه با دوز  $100 \text{ mg/m}^2$  یا دارونما نیز قرار گرفتند. بیماران با ویزیت مکرر و تماس های تلفنی از نظر مصرف کپسولها، عوارض احتمالی و سطح قند خون ها کنترل

شدند. در پایان Hgb A1C و سایر آزمایشات مورد نظر و اطلاعات مربوط به میزان انسولین مصرفی مجدداً اندازه گیری شد و مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

یافته ها: بیماران دو گروه در ابتدای ورود به مطالعه، از نظر تمام متغیرهای اصلی و فرعی تفاوت آماری معناداری با یکدیگر نداشتند. میانگین هموگلوبین A1C در انتهای مطالعه در گروه مداخله ۹/۹۷ و در گروه کنترل ۹/۳۳ بود. با توجه به آزمون آماری انجام شده، بیماران دو گروه تفاوت آماری معناداری با یکدیگر از این نظر نداشتند. ( $P = 0/17$  value). میانگین سطح هموگلوبین A1C در ابتدای مطالعه در گروه مداخله ۱۰/۲۸۰ و در انتهای مطالعه ۹/۹۷ بود، اما این کاهش از نظر آماری معنادار نبود ( $P \text{ value} = 0/09$ ).

میزان انسولین مصرفی در انتهای مطالعه در گروه مداخله ۱/۰۲ و در گروه کنترل ۱/۱۷ بود که از این نظر نیز تفاوت آماری معناداری با یکدیگر نداشتند ( $P \text{ value} = 0/13$ ).

میزان انسولین مصرفی در ابتدای مطالعه در گروه مداخله ۱/۰۵ و در انتهای مطالعه ۱/۰۲ واحد به ازای کیلوگرم وزن بدن بود. این کاهش نیز از نظر آماری معنادار نبود ( $P \text{ value} = 0/35$ ).

نتیجه گیری: در این پژوهش، تجویز عصاره برگ گزنه در بهبود کنترل گلیسمیک بیماران مبتلا به دیابت نوع یک مؤثر نبود. همچنین در کاهش میزان انسولین مصرفی بیماران نیز تفاوت آماری معناداری ایجاد نکرد.

کلید واژه ها: دیابت نوع ۱، عصاره برگ گزنه، کنترل گلیسمیک، هموگلوبین A1C.

۲.عنوان: بررسی تاثیر عصاره زعفران بر میزان بروز چسبندگی بعد از جراحی شکمی در

موش صحرایی

مقدمه و هدف: چسبندگی صفاقی یکی از عوارض شایع اعمال جراحی شکمی و لگنی است. این چسبندگی ها می تواند منجر به درد قابل توجه، انسداد روده و اختلال در بارداری شود. به نظر می رسد که عصاره زعفران به علت دارا بودن خواص ضدالتهابی می تواند موجب کاهش بروز چسبندگی های داخل شکمی شود. هدف از انجام این مطالعه، بررسی تأثیر عصاره زعفران بر میزان بروز چسبندگی بعد از جراحی شکمی در موش صحرایی است.

مواد و روش ها: این مطالعه مورد شاهدهی بر روی موش های صحرایی در ۳ گروه ۱۵ تایی شامل تالک (۲/۵ سی سی)، نرمال سالین (۶ سی سی) و عصاره زعفران (۲۵۰ mg/kg) انجام شد. شکم هر یک از موش ها تحت بیهوشی با کتامین با برش میدلاین جراحی شده و پس از تیمار کردن، بخیه گردیدند. پس از گذشت ۳ هفته مجدداً شکم موش ها باز و از نظر گرید چسبندگی بر اساس مدل Evans ارزیابی شدند. داده های حاصل با استفاده از نرم افزار آماری SPSS-16 و آزمون دقیق فیشر تجزیه و تحلیل گردید.

یافته ها: در گروه تالک، تمامی موش ها دچار چسبندگی گرید ۲ و ۳ شدند. در گروه نرمال سالین، ۱۰ موش دچار چسبندگی گرید ۲ و در گروه عصاره زعفران، ۵ موش بدون چسبندگی، ۵ موش با چسبندگی گرید ۱، ۴ موش با چسبندگی گرید ۲ و تنها یک موش با چسبندگی گرید ۳ مشاهده گردید. همچنین ۷ موش در گروه تالک، ۳ موش در گروه نرمال سالین و یک موش در گروه عصاره زعفران، پیش از ۳ هفته، Expire شدند.

آنالیز داده ها نشان داد که بین گرید چسبندگی در گروه عصاره زعفران در مقایسه با گروه تالک از نظر آماری، اختلاف معناداری وجود داشت ( $P=0/014$ ) و بین میزان مرگ و میر موش های صحرائی در این دو گروه نیز اختلاف آماری معنادار بود ( $P=0/001$ )، اما از نظر میزان بروز چسبندگی، بین گروه های مورد بررسی، اختلاف معناداری مشاهده نشد ( $P>0.05$ ).

بحث و نتیجه گیری: استفاده از عصاره زعفران به منظور جلوگیری از تشکیل باندهای چسبنده در جراحی های لاپارتومی موش صحرائی می تواند مؤثر باشد.  
واژه های کلیدی: عصاره زعفران، چسبندگی، جراحی شکمی، موش صحرائی.

۳.عنوان: بررسی مقایسه ای درمان کپسول واژینال پروبیوتیک و ژل کلیندامایسین بر درمان واژینوز باکتریال در زنان باردار زیر ۲۰ هفته مراجعه کننده به مرکز آموزشی درمانی شهید صیاد شیرازی گرگان ۱۳۹۱.

مقدمه و هدف: واژینوز باکتریال (BV) شایع ترین سندرمی است که زنان را درگیر کرده و بروز آن از ۵٪ تا ۵۰٪ است. بهبودی طولانی مدت پس از درمان های متعارف کمتر دیده می شود و BV در حدود ۴۰٪ موارد طی سه ماه پس از شروع درمان آنتی بیوتیکی و در ۵۰٪ تا ۶ ماه بعد عود می کند. پروبیوتیک ها روش های درمانی جدیدی را پیش روی درمان انواع بیماری ها قرار داده اند. منطق استفاده از پروبیوتیک ها در عفونت های ادراری تناسلی زنان بر پایه نقش تنظیمی است که میکروارگانیسم هایی مانند لاکتوباسیلوس در حفظ سلامت ژنیتال بازی می کند. هدف از انجام این مطالعه مقایسه اثر کپسول واژینال ژینوفیلوس (پروبیوتیک) و ژل کلیندامایسین بر درمان BV در زنان باردار مراجعه کننده به درمانگاه شهید صیاد شیرازی گرگان در سال ۱۳۹۱ بود.

مواد و روش ها:

در این مطالعه کارآزمایی بالینی زنان باردار زیر ۲۰ هفته که بر اساس معیارهای Amsel مبتلا به واژینوز باکتریال بودند با تخصیص تصادفی ساده به دو گروه ۷۵ نفری تقسیم شدند. در گروه اول یا گروه مداخله کپسول واژینال ژینوفیلوس (Gynophylus) یک بار صبح و یک بار شب تا ۷ روز تجویز شد و در گروه دوم یا گروه شاهد ژل کلیندامایسین تا ۷ شب، شبی یک بار تجویز شد. هر دو گروه با معیارهای AMSEL مجدداً پس از پایان ۷ روز و مجدداً بعد از یک ماه مورد ارزیابی از نظر عود قرار می گرفتند. داده ها پس از

جمع آوری و کدبندی و ورود به نرم افزار SPSS.18 با استفاده از جدول و محاسبه فراوانی نسبی توصیف و استفاده از آزمون کای دو و محاسبه خطر نسبی و فاصله اطمینان برای آن تجزیه و تحلیل شد. در صورت لزوم از تست دقیق فیشر نیز استفاده شد. سطح معنی داری برابر ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

### یافته ها:

آپگار نوزاد در دقیقه ۱ و ۵، وزن هنگام تولد جنین، سن حاملگی در زمان زایمان و هنگام تجویز دارو تفاوت معناداری بین دو گروه نداشتند ( $P\text{-value} > 0.05$ ) پارگی زودرس غشاها (PROM) در ۲۴ نفر و زایمان زودرس (پره ترم لیبر) در ۱۵ نفر دیده شد که تفاوت بین دو گروه معنا دار نبود ( $P\text{-value} > 0.05$ ). عود واژینوز باکتریال به طور کلی در ۷ نفر دیده شد که تفاوت بین دو گروه درمانی معنا دار نبود. وجود ترشحات در ویزیت های دوم و سوم در گروه ژینوفیلوس به طور معناداری کمتر بود ( $P\text{-value} = 0.000, 0.002$ ).

### نتیجه گیری:

بررسی بهبودی و عود علائم واژینوز باکتریال پس از درمان با پروبیوتیک ها (ژینوفیلوس) در مطالعه حاضر بجز در مورد ترشحات واژینال، تفاوت معناداری با درمان متعارف با کلیندامایسین نشان نداد. مطالعات طولانی مدت تر با حجم نمونه بیشتری مورد نیاز است.

کلید واژه ها: واژینوز باکتریال، پروبیوتیک ها، کلیندامایسین، عود.

۴. عنوان: بررسی اثر حصا-آ بر بیان ژنهای Bcl-2، Bax و Caspase-9 در رده سلولی MCF-7 سرطان پستان

مقدمه: سرطان پستان، شایع ترین سرطان در زنان و اولین علت مرگ ناشی از سرطان در زنان ۴۴-۴۰ ساله است. طبق محاسبات انستیتو ملی سرطان ایالات متحده آمریکا، از هر هشت زن یک نفر در زندگی خود مبتلا به سرطان سینه می شود. در آمریکا حدود ۱۹۰,۰۰۰ مورد جدید از سرطان سینه در سال ۲۰۰۹ شناسایی شده است که ۷۰٪ آنها دارای ریسپتور استروژنی بوده است.

حصا-آ یک ترکیب بیولوژیک طبیعی با منشأ گیاهی و دریایی است که بر اساس مطالعات انجام شده، بدون عارضه جانبی، بر افزایش کیفیت زندگی بیماران سرطانی و درمان سرطان در مبتلایان به بیماری سرطان مؤثر واقع شده است. پکلی تاکسول با تأثیر بر ژن *bcl-2* , *bax* , *caspase 9* باعث مرگ سلولی می شود. همچنین پکلی تاکسول بعنوان داروی ضد سرطان مانع تجمع میکروتوبولها می شود این دارو با حداقل دوز باعث توقف سیکل سلولی در مسیر *G1* و با حداکثر دوز باعث توقف میتوز می شود. مواد و روش ها: در این تحقیق برای مقایسه اثر داروی پکلی تاکسول و حصا-آ از رده سلولی سرطان پستان برای کشت سلولی استفاده شد. دلیل استفاده از داروی پکلی تاکسول نقش واضح آن در مرگ سلولی به واسطه ژنهای *bcl-2* , *bax* , *caspase 9* همچنین به منظور مقایسه اثر یک داروی شیمیایی با دارویی با منشأ گیاهی - دریایی است. برای انجام این آزمایشات، سلول های MCF-7 به صورت تک لایه در محیط RPMI حاوی سرم و آنتی بیوتیک کشت داده شده و پس از رسیدن به سطح



Confluency، با داروی پکلی تاکسول و حصا - آ به طور جداگانه و توأم مواجه شد و

سپس اثر دارو بر حیات سلول ها و بیان ژن های مورد نظر سنجیده شد.

نتایج و بحث: در این مطالعه ۴ گروه انتخاب شد، گروه اول: گروه کنترل (بدون اثر داروها)

گروه دوم: فقط تحت تأثیر غلظت های مختلف حصا- آ قرار گرفتند. گروه سوم: فقط

تحت تأثیر غلظت های مختلف پکلی تاکسول قرار گرفتند. گروه چهارم: تحت تأثیر غلظت

های مختلف حصا- آ و پکلی تاکسول بطور توأم قرار گرفتند. همچنین پس از استخراج

RNA سلول ها و طراحی پرایمر صورت گرفت و پرایمرهای اختصاصی با استفاده از نرم

افزار Gene runner طراحی شدند. سپس بیان ژن های bcl-2 , bax با استفاده از

روش Real Time-PCR اندازه گیری شد. همچنین در روش Real Time-PCR

برای نرمالیزه کردن از ژن بتا اکتین بعنوان Housekeeping gene استفاده شد. در

نهایت با استفاده از آنتی بادیهای منوکلونال اختصاصی موجود در الیزا به طور اختصاصی

سطح بیان پروتئین های فوق الذکر بر اساس واکنش های آنزیمی به صورت کمی تعیین

گردید. همچنین میزان سلول های تحت تأثیر قرار گرفته با فلوسایتومتری تعیین گردید.

نکات مهم و جمع بندی: استفاده از تکنیک های رایج مثل کشت سلولی، Real Time

PCR-الایزا و فلوسایتومتری و بررسی مکانیسم مولکولی حصا آ و مقایسه آن با داروی

ضد سرطان پکلی تاکسول در رده سلولی MCF-7 سرطان پستان برای اولین بار در

کشور از نکات برجسته این تحقیق است، و با شناسایی مکانیسم اثر حصا - آ بر روی بیان

ژن های bcl-2 , bax اکنون می توانیم دید بهتری نسبت به تدوین و اجرای پروتکل

های درمانی دانشمندان داشته باشیم.

**۵. عنوان:** بررسی اثر حصا-آ بر بیان ژنهای D cycline B cycline P ۱۶P ۲۱P ۵۳ در رده سلولی KYSE-30 سرطان مری

مقدمه: سرطان مری بسته به عامل ایجاد سرطان دو نوع است: ۱- سرطان سلول های سنگ فرشی مری ۲- آدنوکارسینوم مری. سرطان سلول های سنگفرشی عمدتاً در قسمت فوقانی و میانی مری ایجاد می شود. این نوع سرطان مری شایعترین نوع را به خود اختصاص می دهد و در حدود ۹۰٪ سرطان های مری از نوع سرطان سنگ فرشی می باشد.

حصا-آ یک ترکیب بیولوژیک طبیعی با منشأ گیاهی و دریایی است که بر اساس مطالعات انجام شده، بدون عارضه جانبی، بر افزایش کیفیت زندگی بیماران سرطانی و درمان سرطان در مبتلایان به بیماری سرطان مؤثر واقع شده است. پکلی تاکسول با تأثیر بر ژن p53 باعث توقف سیکل سلولی در مسیر G2-S می شود. همچنین پکلی تاکسول بعنوان داروی ضد سرطان مانع تجمع میکروتوبولها می شود این دارو با حداقل دوز باعث توقف سیکل سلولی در مسیر G1 و با حداکثر دوز باعث توقف میتوز می شود.

مواد و روش ها: در این تحقیق برای مقایسه اثر داروی پکلی تاکسول و حصا-آ از رده سلولی سرطان سنگ فرشی مری برای کشت سلولی استفاده شد. دلیل استفاده از داروی پکلی تاکسول نقش واضح آن در کنترل چرخه سلولی به واسطه cyclin B1, cyclin D1, p21, p16, P53 همچنین به منظور مقایسه اثر یک داروی شیمیایی با دارویی با منشأ گیاهی- دریایی است. برای انجام این آزمایشات، سلول های KYSE-30

به صورت تک لایه در محیط RPMI حاوی سرم و آنتی بیوتیک کشت داده شده و پس از رسیدن به سطح Confluency، با داروی پکلی تاکسول و حصا- آ به طور جداگانه و توأم مواجه شد و سپس اثر دارو بر حیات سلول ها و بیان ژن های مورد نظر سنجیده شد.

نتایج و بحث: در این مطالعه ۴ گروه انتخاب شد، گروه اول: گروه کنترل (بدون اثر داروها) گروه دوم: فقط تحت تأثیر غلظت های مختلف حصا - آ قرار گرفتند. گروه سوم: فقط تحت تأثیر غلظت های مختلف پکلی تاکسول قرار گرفتند. گروه چهارم: تحت تأثیر غلظت های مختلف حصا- آ و پکلی تاکسول بطور توأم قرار گرفتند. همچنین پس از استخراج RNA سلول ها، طراحی پرایمر صورت گرفت و پرایمرهای اختصاصی با استفاده از نرم افزار Gene runner طراحی شدند. سپس بیان ژن های p16, p21cyclin B1, cycline D1, P53 با استفاده از روش Real Time - PCR اندازه گیری شد.

همچنین در روش Real Time - PCR برای نرمالیزه کردن از ژن بتا اکتین بعنوان Housekeeping gene استفاده شد. در نهایت با استفاده از آنتی بادیهای منوکلونال اختصاصی موجود در الیزا به طور اختصاصی سطح بیان پروتئین های فوق الذکر بر اساس واکنش های آنزیمی به صورت کمی تعیین گردید. همچنین میزان سلول های تحت تأثیر قرار گرفته با فلوسایتومتری تعیین گردید.

نکات مهم و جمع بندی: استفاده از تکنیک های رایج مثل کشت سلولی، Real Time PCR - ، الیزا و فلوسایتومتری و بررسی مکانیسم مولکولی حصا آ و مقایسه آن با داروی ضد سرطان پکلی تاکسول در رده سلولی KYSE-30 سرطان مری برای اولین بار در کشور از نکات برجسته این تحقیق است و با شناسایی مکانیسم اثر حصا - آ بر

روی بیان ژنهای cyclin B1, cyclin , p16, p21, p53, D1 اکنون می توانیم دید  
بهتری نسبت به تدوین و اجرای پروتکل های درمانی داشته باشیم.

۶.عنوان: اثرات عصاره آبکی پیاز سیر ( ALLIUM SUTIVUM ) بر روی خواص الکتروفیزیولوژیک گره دهلیزی بطنی خرگوش

مقدمه: درمان با گیاهان دارویی تا کنون در بیماران با نارسایی احتقانی قلب، فشار خون و آریتمی مورد استفاده قرار گرفته است. گیاهان دارویی، به دلیل سهولت دسترسی، کاهش عوارض جانبی و قیمت مناسب، به عنوان جایگزین های شایسته داروهای شیمیایی، همواره مورد توجه بوده اند. استفاده از داروهای ضد آریتمی های قلبی که در حال حاضر مورد استفاده قرار می گیرند، به دلیل وجود عوارض جانبی، احتمال تشدید آریتمی های جدید و گاهاً افزایش مرگ و میر همواره با چالش روبرو بوده است.

سیر (Allium sativum) از رده Liliaceae به عنوان یک گیاه شناخته شده برای درمان و پیشگیری از اختلالات متعدد قلبی- عروقی از قبیل آترواسکلروز، هایپرلیپیدمی، ترومبوز و هایپرتانسیون می باشد. سیر اثرات آنتی آریتمیک هم در بطن ها و هم در آریتمی فوق بطنی دارد. مصرف مزمن سیر قادر به پیشگیری و درمان آریتمی های بطنی و فوق بطنی می باشد. اثرات اینوتروپ و کرونوتروپ منفی از عصاره سیر بر روی قلب مشاهده شده است که به علت اثرات مهار بر روی کلسیم می باشد.

مواد و روش ها: این مطالعه یک مطالعه تجربی بود، که بر روی ۶ خرگوش نر در محدوده وزنی ۱/۵ تا ۲ کیلوگرم، که سالم بوده و هیچ گونه آزمایشی بر روی آنها انجام نشده بود، اجرا شد. این حیوانات با هیپارین (5mg/kg/IV) و پنتوباریتال سدیم (35mg/kg/IV) پیش درمانی شده و پس از بیهوش شدن توسط ضربه ای به پشت سر کشته شدند.

سپس قفسه سینه را باز و قلب را جدا کردیم، گستره بافتی شامل دهلیز راست نواحی گره دهلیزی- بطنی و سپتوم بین بطنی را از قلب جدا شده و به کمک سوزن هایی بر روی یک توری داخل تیروید در مدار داخلی ثابت شد. این بافت توسط محلول تیروید به طور پیوسته با سرعت ۲۰۰ میلی لیتر در دقیقه تغذیه شد. پس از این مرحله، توسط الکتروود دو قطبی از نواحی گره سینوسی- دهلیزی، سپتوم دهلیزی و دسته هیس ثبت گرفته و سرعت ضربانات پایه قلب را مشخص کردیم، و سپس به کمک الکتروود تحریکی که در کریستاترمنالیس در دهلیز راست قرار می گیرد، قلب را با سرعتی بالاتر از سرعت پایه بر ضربانات قلب تحریک کرده و پروتکل های تحریکی را بعد از تطبیق قلب با محیط جدید (حداقل یک ساعت) در عدم حضور و در حضور دارو تکرار کرده و نتایج را با هم مقایسه نمودیم.

نتایج: عصاره سیر سبب دپرفشن خواص پایه و وابسته به سرعت گره در یک مدل وابسته به غلظت و سرعت زمان گردید. اثرات عصاره در سلول های قسمت ابتدایی و انتهایی گره دهلیزی بطنی اعمال شد. میزان خستگی گره ای تحت تأثیر عصاره سیر در یک رابطه وابسته به غلظت افزایش معنی داری را نشان داد.

بحث و نتیجه گیری: تحقیق حاضر نشان داد که عصاره سیر سبب افزایش میزان هدایت و تحریک ناپذیری گره دهلیزی بطنی می گردد. این اثرات می تواند نقش بالقوه ضد آریتمی این گیاه را در تأیید مطالعات قبلی مخصوصاً در آریتمی های فوق بطنی و یا چرخشی (reentry) نشان دهد. عصاره سیر در یک مدل وابسته به غلظت سبب دپرفشن خواص پایه و در یک مدل غیر وابسته به سرعت سبب دپرفشن خواص کارکردی گره

گردید. اثرات عصاره، بصورت افزایش زمان هدایت، زمان تحریک ناپذیری مؤثر و

کارکردی، و نکباج و افزایش خستگی گره ای ظاهر شد.

واژگان کلیدی: سیر، گره دهلیزی بطنی، آریتمی فوق بطنی.

۷. عنوان: بررسی تاثیر گاوآژ روغن نارگیل بر میزان بقا بیماران مسموم با قرص برنج  
مراجعه کننده به اورژانس بیمارستان بهارلو در سال ۱۳۹۲

مقدمه: قرص برنج سمی با فرمول شیمیایی فسفید آلومینیوم (ALP) است و معروف به فوستوکسین می باشد، که به طور وسیع در بسیاری از نقاط کشور برای کشتن حشرات ریزی که در کیسه های برنج تکثیر می شوند استفاده می گردد. این ماده در نتیجه تماس با رطوبت، آب یا اسید تولید گاز فسفین کرده که عامل اصلی سمیت آن می باشد. این قرص به فراوانی به قصد خودکشی مورد استفاده قرار می گیرد و متأسفانه میزان مرگ و میر ناشی از خودکشی این ماده شیمیایی در کشور رو به افزایش است. هدف این مطالعه تعیین تاثیر گاوآژ روغن نارگیل بر میزان بقا بیماران مسمومیت با قرص برنج مراجعه کننده به اورژانس بیمارستان بهارلو در سال ۱۳۹۲ می باشد.

روش کار: این مطالعه بصورت کارآزمایی بالینی کنترل دارو بر روی ۶۶ بیمار مسموم با قرص برنج مراجعه کننده به اورژانس بیمارستان بهارلو تهران انجام شد که به صورت تصادفی نمونه ها در دو گروه مداخله و کنترل قرار گرفتند. در گروه مداخله علاوه بر درمان معمول، گاوآژ روغن نارگیل در چهار نوبت هر بار ۳۰ سی سی با فاصله چهار ساعت تجویز شد. در نهایت، روش های آنالیز بقا شامل روش کاپلان مایر، کاکس، رگرسیون لجستیک و آزمون تعمیم یافته ویلکاکسون (breslow) به منظور تعیین میزان بقای بیماران پس از مسمومیت با قرص برنج و مقایسه ی میزان بقا در دو گروه مداخله و کنترل استفاده شد.



یافته ها: میانگین بقا پس از تشخیص مسمومیت در گروه مداخله و کنترل به ترتیب ۱۲۵/۶ ساعت، ۹۵/۷ ساعت محاسبه شد. کمترین و بیشترین میانگین بقا در گروه مداخله، پس از مسمومیت به ترتیب ۱۸/۹ ساعت و ۶۹/۴ ساعت بوده است و میانه ی بقا در بیماران مبتلا به مسمومیت با قرص برنج، که در گروه مداخله می باشند ۳۲ ساعت و در گروه کنترل ۱۱ ساعت می باشد که از نظر آماری، اختلاف معنادار است ( $p=0/02$ ) و بیانگر آن است که گاواژ روغن نارگیل در بیماران مسمومیت با قرص برنج باعث افزایش زمان بقا در گروه مداخله نسبت به گروه کنترل گردیده است.

نتیجه گیری: گاواژ روغن نارگیل در بیماران مسمومیت با قرص برنج باعث افزایش زمان بقا در ۱۲ ساعت اول مسمومیت در گروه مداخله نسبت به گروه کنترل گردیده است.

واژه های کلیدی: مسمومیت، فسفید آلومینیوم (قرص برنج)، روغن نارگیل، میزان بقا.

۸. عنوان: بررسی اثر عصاره زنجبیل بر حجم باقیمانده معده در بیماران با تهویه مکانیکی

بستری در بخش های مراقبت ویژه

مقدمه و هدف: تأخیر در تخلیه معده و افزایش حجم باقیمانده معده از مشکلات شایع بیماران تحت تهویه مکانیکی بستری در بخش های مراقبت ویژه است که از طریق لوله تغذیه می شوند. استفاده از داروها برای رفع این مشکل با احتمال ایجاد عوارض دارویی همراه است. بر اساس مطالعه گیاه زنجبیل می تواند باعث تسریع در تخلیه معده گردد. این مطالعه با هدف تعیین اثر عصاره زنجبیل بر حجم باقیمانده معده در بیماران تحت تهویه مکانیکی بستری در بخش مراقبت های ویژه انجام شد.

روش کار: این مطالعه از نوع کارآزمایی بالینی کنترل دار دو سوکور قبل و بعد می باشد که روی ۲۴ بیمار تحت تهویه مکانیکی بستری در سه بخش مراقبت ویژه مرکز آموزشی درمانی پنج آذر گرگان انجام شد. ۲۴ بیمار که معیار ورود به مطالعه را داشتند طی تغذیه در ۴۸ ساعت ابتدای ورود به مطالعه با یک محلول استاندارد گاوآژ شدند. در روز سوم بیماران از نظر جنس و شدت بیماری (با استفاده از مقیاس آپاچی III) با یکدیگر همسان، و به صورت تصادفی در دو گروه مداخله (۱۲ نفر) و کنترل (۱۲ نفر) قرار گرفتند. سپس به گروه مداخله به مدت ۴ روز، ۵ میلی لیتر عصاره زنجبیل (حاوی ۱۲۰ میلی گرم) در دو نوبت منقسم به همراه ۴۰ میلی لیتر آب و گروه کنترل ۴۲/۵ میلی لیتر آب به عنوان پلاسبو داده شد. تجویز عصاره زنجبیل و پلاسبو در ساعت ۹ صبح و ۶ عصر انجام شد. انجام گاوآژ یکسان تا روز ششم ادامه یافت و قبل از هر نوبت گاوآژ حجم غذای باقیمانده معده اندازه گیری و ثبت شد. پس از شش روز میانگین حجم باقیمانده معده

بین بیماران گروه مداخله و کنترل در ۴۸ ساعت اول و ۴ روز بعدی مطالعه با یکدیگر مقایسه گردید. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از آزمون های تی مستقل، تی زوجی و اندازه های تکراری انجام شد.

یافته ها: مقایسه میانگین و انحراف معیار حجم باقیمانده در دو گروه در روزهای سوم الی ششم با استفاده از آزمون تی مستقل اختلاف معنی داری را نشان داد ( $p < 0/001$ ). همچنین تفاضل میانگین ها در دو گروه با استفاده از آزمون تی زوجی نیز معنی داری بوده است ( $p < 0/001$ ). تفاوت میانگین حجم باقیمانده در بیماران گروه مداخله در مقایسه با گروه کنترل با استفاده از آزمون اندازه های تکراری نیز معنی دار بوده است ( $p < 0/001$ ).

نتیجه گیری: نتایج پژوهش حاضر نشان داد عصاره زنجبیل حجم باقیمانده معده را در مقایسه با گروه دریافت کننده پلاسبو در بیماران تحت تهویه مکانیکی بستری در بخش های مراقبت ویژه کاهش می دهد.

واژه های کلیدی: عصاره زنجبیل، حجم باقیمانده معده، تغذیه لوله ای، تهویه مکانیکی.

۹. عنوان: بررسی تاثیر استنشاق اسانس گل یاس بر سطح اضطراب و کورتیزول خون بیماران قبل از عمل لاپاراتومی در بخش های جراحی عمومی بیمارستان ۵ آذر گرگان در سال ۱۳۹۴

مقدمه: جراحی یکی از پرکاربردترین روش های درمانی مهم در بسیاری از بیماری ها است که می تواند باعث درد و اضطراب در بیماران شود. اضطراب قبل از عمل با عوارضی همچون شیوع بالای درد بعد از عمل، افزایش مصرف مخدرها و داروهای بیهوشی و تأخیر در بهبودی بیماران همراه است. دو مورد از درمان های طب مکمل در خصوص کنترل اضطراب، رایحه درمانی ماساژی و ماساژ است. بنابراین مطالعه حاضر با هدف تعیین تأثیر استنشاق با اسانس گل یاس بر کاهش اضطراب بیماران قبل از عمل جراحی شد.

روش کار: در این مطالعه از نوع کارآزمایی بالینی، یک سوکور ۸۴ بیمار کاندید عمل لاپاراتومی، بستری در بیمارستان ۵ آذر گرگان به صورت تصادفی به دو گروه مداخله و کنترل تقسیم شدند. قبل و بعد از مداخله میزان کورتیزول خون و علائم حیاتی بیماران توسط محقق و پرسشنامه اسپیلبرگر توسط بیماران تکمیل و ثبت شد. نرم افزار مورد استفاده SPSS-16 بوده و داده ها به صورت میانگین، انحراف معیار و درصد بیان شده و با استفاده از آزمون های آماری کای اسکوئر و تی مستقل و زوجی و آنالیز کوواریانس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. سطح معنی داری آزمون ها ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

یافته ها: میانگین سن در گروه مداخله  $35/52 \pm 12/73$  و در گروه کنترل  $50/90 \pm 7/71$  سال بود. در گروه مداخله میزان اضطراب قبل از مداخله  $36/26 \pm 13/39$  سال بود که بعد از مداخله به  $36/42 \pm 6/62$  رسید و در گروه کنترل نیز از  $49/67 \pm 6/80$

قبل از مداخله به  $48/78 \pm 6/90$  بعد از مداخله رسید که از نظر آماری این کاهش در هر دو گروه معنی دار بود ( $p < 0/05$ ). میانگین نمره کورتیزول در گروه مداخله، قبل از مداخله  $175/70 \pm 86/01$  به  $104/51 \pm 70/79$  کاهش پیدا کرد و در گروه کنترل از  $128/11 \pm 64/61$  قبل از مداخله به  $131/35 \pm 68/00$  بعد از مداخله افزایش پیدا کرد. ( $p < 0/05$ ).

همچنین بعد از مداخله در نمره سیستولیک فشار خون و نمره دیاستولیک فشار خون و نبض و تنفس بیماران گروه مداخله و کنترل تفاوت معنی داری مشاهده شد. نتیجه گیری: از آنجایی که کاهش اضطراب در گروه رایحه درمانی بیشتر از گروه کنترل بود و می توان نتیجه گرفت رایحه درمانی با عطر گل یاس از عوامل کاهش اضطراب می باشد، بنابراین در موقعیت های بالینی استفاده از آن توصیه می شود. کلید واژه ها: اضطراب، کورتیزول، اسانس گل یاس.

**۱۰. عنوان:** مقایسه اثر عسل، پروپولیس و کلسیم هیدروکساید به عنوان داروی داخل کانال بر انتروکوکوس فکالیس در دندان های کشیده شده

زمینه و هدف: با توجه به آناتومی پیچیده کانال حذف کامل میکروارگانیسم ها با آماده سازی مکانیکی کانال غیر ممکن است و نیاز است تا از داروهای داخل کانال به صورت مکمل استفاده شود. کلسیم هیدروکساید شایع ترین داروی داخل کانال است که به صورت گسترده استفاده می شود ولی علیرغم فوایدی که دارد دارای یکسری محدودیت

ها، از جمله عملکرد ضعیف در برابر انتروکوکوس فکالیس، پاتوژن اصلی در موارد شکست درمان ریشه، می باشد. هدف این مطالعه مقایسه اثر عسل، پروپولیس و کلسیم هیدروکساید به عنوان داروی داخل کانال بر انتروکوکوس فکالیس در دندان های کشیده شده بود.

مواد و روش ها: این مطالعه بر روی ۷۸ دندان تک ریشه و تک کانال کشیده شده انسانی انجام شد. تاج دندان ها قطع و آماده سازی اولیه کانال انجام شد. لایه اسمیر حذف شد و دندان ها پس از استریل شدن با انتروکوکوس فکالیس آلوده شده و انکوبه شدند. ۳ عدد از نمونه ها به عنوان کنترل منفی آماده نشدند. پس از پایان دوره انکوبه شدن، آماده سازی مکانیکی و شیمیایی نمونه ها انجام شده و ۶۳ عدد از نمونه ها به ۳ گروه ۲۱ تایی تقسیم شدند. پس از آن کانال ها به ترتیب با کلسیم هیدروکساید، پروپولیس و عسل پر شدند. به گروه کنترل مثبت هیچ دارویی اضافه نشد (۶ عدد). بعد از پایان دوره انکوبه شدن، نمونه گیری میکروبی و شمارش کلونی در پایان روز اول، سوم و هفتم انجام شد. تجزیه و تحلیل داده ها با آزمون های آماری Non-parametric Kruskal-Wallis, Non-parametric Mann-Whitney انجام شد.

یافته ها: تمام مواد مورد آزمایش، کاهش قابل توجه و معناداری در تعداد کلونی های انتروکوک فکالیس ایجاد کردند (P value= 0.000). پروپولیس قوی ترین اثر ضد میکروبی را داشت و پس از آن به ترتیب عسل و کلسیم هیدروکساید. اختلاف پروپولیس و کلسیم هیدروکساید از نظر آماری معنادار بود (Pvalue= 0.005) ولی عسل اختلاف معناداری با پروپولیس (P value=0.227) و کلسیم هیدروکساید (P value= )

0.064) نداشت. پس از گذشت یک روز از زمان قرار دادن داروها پروپولیس و عسل مشابه هم و قوی تر از کلسیم هیدروکساید عمل کردند ( $P \text{ value}=0.010$ ) ولی پس از گذشت ۳ و ۷ روز تفاوت معناداری نداشتند. اثر کلسیم هیدروکساید در سه زمان مختلف نمونه گیری متفاوت بود ( $P \text{ value}= 0.006$ ) به طوری که بیشترین اثر این ماده پس از گذشت ۷ روز حاصل شد. عسل و پروپولین در سه زمان مختلف نمونه گیری اثر مشابهی داشت.

نتیجه گیری: در این مطالعه پروپولین بیشترین فعالیت ضد میکروبی را علیه انتروکوک فکالیس داشت و اثر ضد میکروبی عسل بین پروپولیس و کلسیم هیدروکساید قرار داشت. در نتیجه می توان گفت که عسل و پروپولیس دارای اثر ضد میکروبی مورد نیاز جهت استفاده به عنوان داروی داخل کانال بوده و می توان از این مواد به عنوان داروی داخل کانال در درمان ریشه استفاده کرد.

کلمات کلیدی: داروی داخل کانال، عسل، پروپولین، کلسیم هیدروکساید، انتروکوک فکالیس.

---

**۱۱.عنوان:** بررسی تاثیر استنشاق اسانس اسطوخودوس بر سطح اضطراب و میزان کورتیزول خون بیماران جراحی قلب باز در بیمارستان امیرالمومنین (ع) کردکوی در سال ۱۳۹۱

مقدمه: جراحی به عنوان یک روش درمانی، تجربه ای استرس آور است و در عمل جراحی قلب باز با توجه به خطرات و عوارض آن، اضطراب در سطح وسیع تری خود را نشان می دهد. راه های مختلفی اعم از دارویی و غیر دارویی برای کاهش سطح اضطراب به کار گرفته می شود. این پژوهش با هدف تعیین تأثیر رایحه درمانی با اسانس اسطوخودوس بر سطح اضطراب و میزان کورتیزول خون انجام شده است.

روش کار: این مطالعه از نوع کارآزمایی بالینی شاهد دار، یک سو کور و با تخصیص تصادفی می باشد که بر روی ۹۰ بیمار کاندیدای عمل جراحی قلب باز در دو گروه مداخله و کنترل انجام شد. گروه مداخله ۲ قطره اسانس اسطوخودوس و گروه کنترل ۲ قطره آب مقطر که بر روی یک عدد گاز ریخته شده بود را به مدت ۲۰ دقیقه استنشاق نمودند. قبل و بعد از مداخله پرسشنامه اضطراب سنج اسپیلبرگر توسط بیماران تکمیل و ۲ سی سی نمونه خون جهت سنجش کورتیزول گرفته و علائم حیاتی بیماران ثبت شد. نرم افزار مورد استفاده SPSS16 بوده و داده ها بصورت میانگین، انحراف معیار و درصد و با بکارگیری آزمون های آماری  $t, \chi^2$  مستقل و زوجی و برای تعدیل نمرات پیش آزمون از آنالیز کوواریانس در سطح معنی داری ۰/۰۵ مورد توصیف و تحلیل قرار گرفتند.

یافته ها: نتایج نشان داد دو گروه از نظر مشخصات دموگرافیک با هم اختلاف معنی داری نداشتند. میانگین امتیاز اضطراب در گروه مداخله در مرحله قبل  $56/73 \pm 5/67$  بود که



بعد از مداخله به  $54/73 \pm 5/42$  رسید و در گروه کنترل نیز از  $55/18 \pm 7/35$  در مرحله قبل به  $54/07 \pm 7/22$  بعد از مداخله رسید که این میزان کاهش در هر دو گروه از نظر آماری معنادار بود ( $P=0/001$ ). تفاضل میانگین بین دو گروه نشان داد کاهش در میانگین نمره اضطراب گروه مداخله بیشتر از گروه کنترل بوده است ( $P=0/001$ ). همچنین تفاضل میانگین و انحراف معیار میزان کورتیزول قبل و بعد از مداخله در گروه مداخله برابر  $1/88 \pm 0/56$  و در گروه کنترل برابر  $0/42 \pm 0/45$  برآورد گردید که این اختلاف ها از نظر آماری معنی دار بوده است ( $P=0/001$ ).

نتیجه گیری: با توجه به تأثیرات مثبت اسانس اسطوخودوس می توان از رایحه درمانی با این اسانس به عنوان یک اقدام پرستاری در موقعیت های بالینی به منظور کاهش سطح اضطراب و میزان کورتیزول خون بیماران پیشنهاد نمود.

کلمات کلیدی: اسانس اسطوخودوس، اضطراب، کورتیزول، جراحی قلب باز، پرسشنامه اسپیلبرگر.

## ۱۲. عنوان: تعیین ضد مایکوباکتریوم توبرکلوزی عصاره ی شش گیاه دارویی منطقه در شرایط کشت *in vitro*

### زمینه و هدف:

سل یکی از کشنده ترین بیماری های عفونی در جهان امروز به حساب می آید. درمان دارویی طولانی مدت در سالهای اخیر سبب پیدایش ایزوله های مایکوباکتریوم توبرکلوزیس مقاوم به چند دارو (MDR) و ایزوله های مقاوم به طیف وسیعی از داروها (XDR) شده است که برای کنترل آن یافتن داروی جایگزین بویژه با استفاده از گیاهان دارویی مورد توجه زیادی قرار گرفته است. از آنجایی که سل یک بیماری تهدید کننده در ایران از گذشته های دور بوده است و استان گلستان یکی از کانون های اصلی آن می باشد، این مطالعه با هدف بررسی *In vitro* خاصیت ضد مایکوباکتریوم توبرکلوز، شش گیاه دارویی که در مطالعه قبلی فعالیت ضد مایکوباکتریومی آن ها در برابر مایکوباکتریوم های غیر پاتوژن نشان داده شده طراحی گردیده است و ارتباط آن با سطح ویتامین C در این شش گیاه مورد بررسی قرار می گیرد.

مواد و روش کار: در این مطالعه ۸ ایزوله بومی مایکوباکتریوم توبرکلوزیس و یک ایزوله استاندارد (H37RV) مورد مطالعه قرار گرفته است، که شش ایزوله بالینی مایکوباکتریوم توبرکلوزیس جدا شده حساس به ایزونیازید و ریفامپین و دو ایزوله MDR بودند. گیاهان مورد مطالعه که شامل: دانه اسپند، پوست انار، برگ انگشتانه و میوه زرشک، لیمو و نسترن هستند. عصاره هیدروالکلی گیاهان با استفاده از روش خیساندن

تهیه شد و با استفاده از رقیق کننده دی متیل سولفوکساید ۲٪ از آن رقت‌های مناسب  $1/6$  mg/ml تا ۲۰۰ تهیه گردید. برای بررسی فعالیت ضدتوبرکلوزی عصاره هر گیاه، از روش انتشار دیسک استفاده شد و پلیت‌ها برای ۲۱-۱۴ روز در دمای ۳۷ درجه انکوبه شدند و قطر هاله عدم رشد توسط خط کش میلی متر اندازه گیری گردید. غلظت ویتامین C موجود در هر یک از عصاره های گیاهی با روش رنگ سنجی اندازه گیری شد.

نتایج: در بین این شش عصاره گیاهی، تنها دو عصاره انار و اسپند اثر ضد مایکوباکتریوم توبرکلوزیس قوی داشتند بطوریکه اثر عصاره انار بیشتر از اسپند مشاهده شد و دو عصاره انگشتانه و لیمو در غلظت های بالا اثر مهاری خوبی در مقابل مایکوباکتریوم توبرکلوزیس داشتند ولی هیچ اثر ضد این باکتری در عصاره های نسترن و زرشک مشاهده نگردید. به جز در مورد عصاره لیمو ( $P=0/025$ ) در بقیه موارد قطر هاله عدم رشد ایزوله های MDR و غیر MDR تفاوت آماری معنی داری نشان نمی دهد ( $P>0/05$ ). نتایج نشان داد بالاترین محتوی ویتامین C مربوط به عصاره پوست انار و برگ انگشتانه است ولی بین غلظت ویتامین C و اثر ضد مایکوباکتریومی ارتباط معنی داری مشاهده نشد.

بحث: استفاده از عصاره هیدروالکلی پوست انار و دانه اسپند برای ادامه مطالعات از جمله در کشت سلول یا مدل حیوانی برای بررسی تأثیر این عصاره ها بر رشد م. توبرکلوزیس در *invivo* پیشنهاد می گردد. محتوی ویتامین C در عصاره انار که بهترین فعالیت مهاری را در برابر مایکوباکتریوم توبرکلوزیس داشت مطابقت دارد ولی این امر در سایر موارد صدق نمی کند، بنابراین ویتامین C موجود در عصاره به تنهایی نمی تواند شاخص اثر ضد توبرکلوزی باشد.

کلید واژه ها: میکوباکتریوم توبرکلوزیس، گیاهان دارویی، ویتامین C.

۱۳. عنوان: بررسی اثر میوه کیوی روی رشد مایکوباکتریوم توبرکلوزیس در شرایط آزمایشگاهی

مقدمه: فراوانی بیماری سل در منطقه و در کشورهای در حال توسعه و شیوع بیشتر آن با گسترش بیماری ایدز در جهان و گسترش مقاومت دارویی این بیماری دلایل ضرورت تفکر برای یافتن داروی جدید ضد سل را ایجاد می کند. داروهای جدید می توانند گیاهی باشند، میوه کیوی به دلیل فراوانی و گسترش مصرف آن توسط مردم و همچنین مطالعاتی که در زمینه خاصیت آنتی باکتریال عصاره و بعضی از اجزای آن داشته است و با توجه به اینکه تا حالا روی خاصیت ضد مایکوباکتریوم توبرکلوزیس آن مطالعه نشده بود ما را بر آن داشت تا مطالعه آزمایشگاهی و تجربی اثر میوه کیوی روی رشد مایکوباکتریوم توبرکلوزیس داشته باشیم.

روش مطالعه: در مطالعه تحقیقاتی *invitro* اثر میوه کیوی و اجزاء آن (پوست، تخم و آب میوه و گوشت میوه) و سوسپانسیون های بدست آمده از آنها را با روش های چاهک، دیسک و اثر مستقیم آنها روی ۱۰ سوش مایکوباکتریوم توبرکلوزیس جدا شده از بیماران مورد آزمایش قرار گرفت که هر آزمایش ۳ بار در شرایط استریل تکرار شد. در صورت بوجود آمدن هاله عدم رشد پس از گذشت یک هفته تا یک ماه بعد از تلقیح قطر هاله اندازه گیری شد.

یافته ها و نتایج: در این تحقیق فقط برشها و قطعات میوه کیوی توانست در ۵ سوش از ۱۰ سوش مایکوباکتریوم ایجاد هاله عدم رشد کند در هیچ یک از اجزاء میوه مانند آب

میوه به تنهایی، گوشت میوه به تنهایی و سوسپانسیونهای آنها و اجزاء دیگر مورد مطالعه  
هاله عدم رشد دیده نشد.

بحث، نتیجه گیری و پیشنهادات: با توجه به این نتایج می توانیم حدس بزنیم اثر ضد  
مایکوباکتریوم توبرکلوزیس منحصر به فرم تازه بدون تغییر آن می باشد و همچنین pH  
اسیدی میوه نمی توانست خاصیت آنتی مایکوباکتریومی داشته باشد چون اجزاء آنها به  
تنهایی مثل آب میوه نتوانست هاله عدم رشد ایجاد کند به طور کلی میوه کیوی در ۵۰٪  
سویه ها اثر ضد مایکوباکتریومی نشان داد و پیشنهاد می شود جهت یافتن اینکه کدامیک  
از ترکیبات میوه کیوی خاصیت آنتی مایکوباکتریوم دارد مطالعات بیشتری انجام گیرد.  
واژه های کلیدی: میوه کیوی- مایکوباکتریوم توبرکلوزیس- رشد- اثر مهارتی.

۱۴. عنوان: اثرات عصاره هیدروالکلی زعفران (CROCUS SATIVUS) بر روی خواص الکتروفیزیولوژیک گره دهلیزی بطنی قلب خرگوش

مقدمه: مواد بیولوژیک گیاهی با منشأ گیاهی یک شاخه اصلی از فارماکوتراپی مدرن بیماریهای قلبی عروقی را شامل می شوند. درمان گیاهی نسبت به داروهای سنتتیک به خاطر عوارض جانبی کمتر و قیمت کمتر مناسب تر است. مطالعات مختلفی بیانگر اثرات کاهنده فشار خون و ضد ایسکمیک از زعفران می باشد.

هدف: هدف از این مطالعه تعیین اثرات غلظت های مختلف عصاره هیدروالکلی زعفران بر روی خواص پایه و کارکردی گره دهلیزی بطنی جدا شده خرگوش نر می باشد.

مواد و روش ها: این مطالعه از نوع تجربی است. در تمام آزمایش ها خرگوش های نر نژاد نیوزلندی با استفاده از تکنیک پرفیوژن گره دهلیزی بطنی ایزوله در شرایط مناسب آزمایشگاهی و در یک گروه انجام شد که به صورت قبل و بعد عصاره هیدروالکلی گیاه زعفران (Crocus sativus) با غلظت های ۰/۶، ۱/۲، ۴/۸، ۱۰، ۲۰، ۴۰ بر روی خواص الکتروفیزیولوژیک گره دهلیزی بطنی خرگوش مورد مطالعه قرار گرفت. (N=11).

نتایج: نتایج این تحقیق بیانگر اثرات دپرسانت عصاره هیدروالکلی زعفران بر روی پارامترهای الکتروفیزیولوژیک پایه (ونکباخ، زمان تحریک ناپذیری کارکردی و زمان تحریک ناپذیری مؤثر) و کارکردی (خستگی) گره دهلیزی بطنی می باشد. به طوریکه در غلظت ۲۰ mg/l زمان هدایت دهلیزی - گره ای از  $5/1 \pm 54/6$  به  $5/5 \pm 65/5$ ، زمان FRP از  $4/5 \pm 153/5$  به  $6 \pm 166/4$  و زمان ERP از  $5 \pm 82/7$  به  $10 \pm 1/6$

۱۰۴/۶ افزایش معنی داری نشان داد ( $p < 0/05$ ). همچنین میزان خستگی در غلظت

۲۰ mg/l از  $1 \pm 10/4$  به  $1 \pm 8$  افزایش معنی داری نشان داد ( $p < 0/05$ ).

نتیجه گیری: عصاره هیدروالکلی زعفران با افزایش زمان تحریک ناپذیری مؤثر و تحریک

ناپذیری کارکردی می تواند بعنوان یک داروی ضد آریتمی مطرح شود.

کلید واژه ها: زعفران، آریتمی فوق بطنی، گره دهلیزی- بطنی، خواص الکتروفیزیولوژیک.



۱۵. عنوان: بررسی اثرات آنتی باکتریال گیاه بومادران زرد بر سوش های پseudomonas آئرو ژینزا، استافیلوکوک اورئوس و اشرشیاکولی در آزمایشگاه

از علل مهم مرگ بیماران، عفونت های مقاوم به درمان است، که با وجود آنتی بیوتیک های قوی همچنان مشکل آفرین است. بر طبق بررسی های اخیر در آمریکا مشخص شده که مقاومت میکروبی رو به افزایش است به طوری که در مورد استافیلوکوک اورئوس تا ۳۰ درصد مقاومت به پنی سیلین ها گزارش شده است (۵).

از سال ۱۹۹۳ گیاهان دارویی اهمیت زیادی یافته اند، به خصوص تخمین زده می شود که ۲۵۰ هزار تا ۵۰۰ هزار گونه گیاه دارویی در زمین وجود داشته باشد که فقط از ۱۰ درصد آنها استفاده می شود (۸)

از جمله گیاهان دارویی، گیاه بومادران است که از قدیم الایام جهت درمان سرماخوردگی، بند آوردن خونریزی، ترمیم زخم ها، خاصیت تب بری، کاهش فشار خون، آنتی اسپاسم مصرف می شده است.

با توجه به مطالب فوق بر آن شدیم تا خاصیت آنتی باکتریال عصاره گیاه بومادران را بر سوشهای مختلف استافیلوکوک اورئوس، پseudomonas، آئروژینزا و اشرشیاکولی بررسی نماییم.

در ابتدای آزمایش، خالص سازی سوشها را طی دو بار کشت انجام داده و پس از آن جهت تهیه محیط های کشت سوسپانسیون میکروبی را با محلول نوترین برات تهیه نموده و بعد از آن رفتهای متوالی از عصاره گیاه بومادران را در ۶ رفت تهیه می کنیم. بعد دیسک های ساده را در این رقت ها می ریزیم و از هر رقت یک دیسک در محیط کشت قرار می دهیم. همزمان آنتی بیوگرام هر سوش را انجام داده و پس از ۲۴ ساعت نتایج را

ثبت می کنیم (این آزمایش دو بار تکرار شد). بر اساس نتایج حاصله، سوشهای استافیلوکوک اورئوس تا ۹۰ درصد به ریفامپسین حساسیت داشته و تا ۲۰ درصد به پنی سیلین مقاومت داشت. بیشترین حساسیت به عصاره بومادران در غلظت ۱۰۰۰ mg/cc (۸۰ درصد) و کمترین حساسیت در غلظت ۱۲۵ mg/cc (۱۰ درصد) می باشد. در مورد پسودوموناس آئروژینزا در غلظت ۵۰۰ mg/cc و ۱۰۰۰ mg/cc، ۱۰۰ درصد حساسیت و در غلظت ۲۵۰ mg/cc و ۴۰ درصد حساسیت دیده شد. در آنتی بیوگرام نیز نسبت به سیپروفلوکساسین ۱۰۰ درصد حساسیت داشته و به کولیستین ۳۰ درصد مقاومت داشت. در آنتی بیوگرام اشرشیاکولی ۲۵ درصد مقاومت به نالیدیکسیک اسید و ۹۳/۷۵ درصد حساسیت به نیتروفورانئتوئین دیده شد و نسبت به عصاره بومادران مقاومت مشاهده شد. به این ترتیب می توان گفت که عصاره بومادران در سوش ۳ استافیلوکوک اورئوس در غلظت ۱۰۰۰ mg/cc نسبت به ریفامپسین ۵۸/۶ درصد جواب داشته که قابل توجه است. در مورد سوش ۵ پسودوموناس آئروژینزا در غلظت ۱۰۰۰ mg/cc نسبت به سیپروفلوکساسین ۳۳/۳۳ درصد پاسخ دیده شد که پاسخ مشاهده شده در استافیلوکوک نسبت به پسودوموناس ۲۸ درصد بیشتر است. از طرفی تمامی ۱۶ سوش اشرشیاکولی به عصاره مقاومت داشتند که احتمالاً به دلیل تغییرات ژنتیکی، مقاومت ذاتی، نفوذ ناپذیری به عصاره باشد. ترکیبات موجود در گیاه بومادران احتمالاً از طریق مهار آنزیمی، تخریب غشاء، تغییر DNA بلوک گیرنده ها سبب بروز اثرات ضد میکروبی می شوند که البته جهت تعیین مکانیسم دقیق نیاز به مطالعات و بررسی های بیشتری می باشد.

۱۶. عنوان: بررسی اثر عصاره هیدروالکلی برگ گیاه گزنه (*Urticadioica*) بر تغییرات هیستوپاتولوژیک و مورفومتریک بیضه موشهای صحرایی دیابتی شده با استرپتوزوتوسین

سابقه و هدف: یکی از عوارض دیابت اختلالات سیستم جنسی تناسلی است که می تواند با دژنراسیون بیضه ها، کاهش قطر و تغییر در آرایش و ساختار سلولی در لوله های سمینifer همراه باشد. استفاده از گزنه دو پایه (*Urtica dioica*) به عنوان یک گیاه دارویی ضد دیابت که بومی منطقه آسیا و اروپا است از دیرباز در طب سنتی مرسوم بوده است. لذا این مطالعه با هدف بررسی اثر عصاره هیدروالکلی برگ گیاه گزنه بر تغییرات هیستوپاتولوژیک و مورفومتریک بیضه موش های صحرایی دیابتی شده با استرپتوزوتوسین طراحی شده است.

مواد و روش ها: ۱۸ سر موش صحرایی نر از نژاد ویستار به ۳ گروه مساوی شاهد، دیابتی و حفاظتی تقسیم شدند. موش های گروه حفاظتی در ۵ روز اول آزمایش روزانه  $mg/kg$  ۱۰۰ عصاره هیدروالکلی برگ گیاه گزنه داخل صفاقی دریافت نمودند، و در روز ششم موش های هر دو گروه حفاظتی و دیابتی با تزریق  $mg/kg$  ۸۰ دوز واحد استرپتوزوتوسین داخل صفاقی، دیابتی شدند. برای اطمینان از القای دیابت تست تحمل گلوکز در شروع مطالعه و همچنین در هفته های ۳ و ۵ انجام شد. در پایان هفته پنجم با استفاده از بیهوشی بیضه موش ها جدا شده و در محلول بوئن فیکس شد. نمونه بیضه های چپ با ضخامت ۴-۵ میکرومتر برش داده شد و با روش هماتوکسیلین و ائوزین برای مطالعات هیستوپاتولوژیک و مورفومتریک رنگ آمیزی شدند و از اسلایدهای تهیه شده

توسط میکروسکپ نوری تحقیقاتی Olympus عکس تهیه شد. قطر خارجی، قطر داخلی و ضخامت اپیتلیوم لوله های سمینيفر توسط نرم افزار Olysia Autobioreport اندازه گیری شد و مقادیر به دست آمده توسط نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

یافته ها: دیابت منجر به کاهش معنی دار قطر خارجی، قطر داخلی و ضخامت اپیتلیوم لوله های سمینيفر شد ( $p < 0.05$ ) و پیش درمانی با عصاره گزنه توانست این تغییرات ناشی از دیابت را به طور معنی داری تعدیل نماید ( $p < 0.05$ ) همچنین دیابت با تغییرات هیستوپاتولوژیک بیضه (Disintegration) سلول ها، واکوئولیزاسیون سلول های سرتولی و اسپرματοژنیک بازال، کاهش اسپرم در لوله های سمینيفر) همراه بود که این تغییرات در گروه های شاهد و حفاظتی دیده نشد.

بحث و نتیجه گیری: این مطالعه نشان داد که عصاره هیدروالکلی برگ گیاه گزنه می تواند یک نقش حفاظتی در برابر تغییرات هیستوپاتولوژیک و مورفومتریک بیضه ناشی از دیابت داشته باشد و می تواند این تغییرات را در لوله های سمینيفر موش های صحرائی دیابتی شده با استرپتوزوتوسین به طور معنی داری تعدیل نماید.

کلید واژه: گزنه دو پایه، دیابت، موش صحرائی، بیضه، مورفومتري، استرپتوزوتوسین.

۱۷. عنوان: بررسی تاثیر داروی پروبیوتیک بر شدت فعالیت بیماری در بیماران مبتلا به کولیت اولسراتیو

مقدمه و هدف: کولیت اولسرو بیماری مزمنی می باشد که پاتوژنز دقیق آن تاکنون مشخص نشده است اما ترکیبی از عوامل ژنتیکی، فاکتورهای محیطی و عدم تنظیم سیستم ایمنی به عنوان عوامل دخیل در ایجاد این بیماری مطرح می باشند. امروزه قسمت عمده درمان کولیت اولسرو پیرامون سرکوب و تعدیل سیستم ایمنی میزبان می باشد و توجه کمتری به عوامل پاتوژنیک مرتبط با میکروفلورای روده ای می شود. اکثر بیماران درمان موجود را به علت عوارض جانبی تحمل نمی کنند و یا مقاوم هستند. لذا درمان جایگزین دیگری از جمله پروبیوتیک برای درمان کولیت اولسرو مطرح شده است. مواد و روش ها: در این مطالعه کار آزمایشی بالینی، بیماران کولیت اولسراتیو مراجعه کننده به مرکز تحقیقات گوارش و کبد استان گلستان، بیماران مبتلا به کولیت اولسراتیو خفیف تا متوسط طبق شاخص Simple clinical colitis activity index به صورت تصادفی وارد مطالعه شدند. این بیماران در دو گروه قرار گرفتند، گروه اول بیمارانی که همراه دارودرمانی استاندارد مکمل پروبیوتیک نیز دریافت کردند و گروه دوم شامل بیمارانی که در کنار دارودرمانی استاندارد پروبیوتیک دریافت نمی کردند. در ابتدای ورود به مطالعه و پس از ۸ هفته مصرف دارو، شاخص سلامتی روده در این افراد بررسی شد و نتایج با هم مقایسه گردید.

نتایج: بر اساس یافته های مطالعه مشخص شد در کل گروه میانگین شدت بیماری به ترتیب قبل و بعد از مداخله ( $6/86 \pm 1/29$ ) و ( $6/10 \pm 14/25$ ) بوده است که این کاهش

شدت بیماری از نظر آماری معنادار می باشد ( $P=0/01$ ) و در گروه مداخله اگر چه شدت بیماری قبل و بعد از مداخله کاهش داشته است اما از نظر آماری معنی دار نبوده است ( $P=0/16$ )

همچنین میانگین تغییرات بیماری در گروه با مدت بیماری بیشتر از پنج سال نسبت به گروه دیگر به طور معنی داری بیشتر بوده است.

نتیجه گیری: نتایج مطالعه حاضر نشان می دهد پروبیوتیک در کاهش فعالیت بیماری در بیماران مبتلا به کولیت اولسروفاز خفیف و متوسط اثر مضاعفی ندارد.

واژه های کلیدی: کولیت اولسرو، شدت فعالیت بیماری، پروبیوتیک.

**۱۸.عنوان:** بررسی اثر ترکیب بنزوفورانی استخراج شده از ریشه گیاه (Butterbur) *Petasites hybridus* بر میزان بیان ژنهای Bax, P21, P53, bcl-2 و P21 در رده سلولی MCF-7 سرطان پستان

مقدمه: ترکیبات بنزوفورانی مجموعه ای متنوع از فعالیت های دارویی از جمله خواص ضد سرطانی و آنتی اکسیدانی را نشان می دهند. هدف ما از این مطالعه بررسی اثر سیتوتوکسیستی (سمیت سلولی) یک ترکیب بیواکتیو بنزوفورانی جدا شده از ریشه گیاه *Petasites hybridus* بر رده سلولی MCF-7 سرطان پستان و همچنین بررسی اثر این ماده بر بیان ژن های دخیل در آپوپتوز شامل bcl-2, Bax, P21, P53 می باشد. روش کار: در این مطالعه سلول های MCF-7 سرطان پستان با غلظت های مختلف ( $500-0 \mu\text{M}$ ) از ترکیب بنزوفورانی و در زمان های مختلف (۲۴، ۴۸ و ۷۲ ساعت) تیمار شدند و میزان کشندگی سلول های MCF-7 با استفاده از تست نوترال رد بررسی شد. سپس میزان بیان ژن های bcl-2, Bax, P21, P53 با استفاده از تکنیک Real Time PCR و الایزا مورد سنجش قرار گرفت.

یافته ها و نتیجه گیری: نتایج تست نوترال رد اثر کشندگی بالایی بر سلول های MCF-7 به صورت وابسته به دوز و زمان نسبت به گروه کنترل (سلول های تیمار نشده) نشان داد. میزان ۵۰ درصد کشندگی سلول ها ( $IC_{50}$ ) شامل ۲۳۹، ۶۹/۴ و ۷۲/۲۶ میکرومول به ترتیب در زمان های ۲۴، ۴۸ و ۷۲ ساعت بود. با توجه به نتایج حاصل از این مطالعه ترکیب بنزوفورانی سبب فعال شدن ژن P53 در هر دو سطح رونویسی و ترجمه می شود و P53 احتمالاً سبب القاء آپوپتوز به وسیله افزایش بیان ژن آپوپتوتیک Bax و کاهش

بیان ژن های آنتی آپوپتوتیک P21 , bcl-2 می شود. مطالعات بیشتر به منظور آشکار شدن مکانیسم دقیق اثر این ماده در از بین بردن سلول های سرطانی لازم می باشد. و برای نتیجه گیری قطعی مطالعات بیشتری بر روی دیگر رده های سلولی سرطانی، سلول های غیر توموری، مدل های حیوانی و مطالعات بالینی پس از آن ضروری می باشد.

واژه های کلیدی: ترکیب بنزوفورانی، سمیت سلولی، آپوپتوز، رده سلولی MCF-7 سرطان پستان.

عنوان هایی که خلاصه آن ها موجود نبود:

۱. بررسی اثر عصاره زعفران بر هیستوپاتولوژی چسبندگی داخل شکمی پس از لاپاراتومی در موش صحرائی
  ۲. بررسی تاثیر عصاره قره قاط (Cranberry) بر ریشه کنی هلیکوباکترپیلوری در مراجعین به درمانگاه گوارش مرکز آموزشی درمانی ۵ آذر گرگان
- مقایسه اثر ضدباکتریایی دهانشویه کلرهگزیدین ۰/۲ درصد، قطره ماتریکا (عصاره بابونه) و نرمالسالین در بیماران دارای لوله تراشه بستری در بخشهای مراقبتهای ویژه مرکز آموزشی درمانی پنج آذر گرگان ۱۳۹۴